



یادداشت و گفت و گو درباره دهمین دوره جشنواره تجسمی فجر

هنرمندان درباره بایدها و نبایدهای جشنواره تجسمی فجر می‌گویند

یک جشنواره و هزار راه نرفته

با غلامعلی طاهری، دبیرکل و پایه‌گذار اولین جشنواره تجسمی فجر:

جشنواره تجسمی فجر دچار آشفتگی و بلا تکلیفی است



و از ادامه این مسیر فاصله گرفتند. تردیدی نیست هر جشنواره‌ای که برگزار می‌شود باید جریان‌ساز باشد. جشنواره تجسمی فجر به اندازه کافی در این سال‌ها فرصت داشته اعتباری مانند جشنواره فیلم فجر بگیرد، ولی متأسفانه در این زمینه فرصت‌سوزی کرده‌ایم و نتوانسته‌ایم بعد از گذشت ده دوره به این درجه دست یابیم.

برخی براین باورند که در سال‌های اخیر سطح جشنواره تجسمی فجر گاه تا حد یک مسابقات دانش‌جویی تنزل یافته، تا جایی که هر سال شاهد حضور کم‌رنگ هنرمندان پیشکسوت در این جشنواره هستیم، در حالی که اگر یک رویداد فرهنگی هنری می‌خواهد به مدارج بالا دست یابد باید انتظارات و توقعات را نسبت به آن رویداد ارتقا داد. دیدگاه شما چیست؟

دقیقا همین‌طور است. درواقع آنچه شما دراین باره مطرح می‌کنید انتقادی است که خودم هم از این منظر به جشنواره داشته‌ام. در دوره اول جشنواره تجسمی فجر، صرف‌نظر از آنکه هنرمندان پیشکسوت در کنار جوانان آثارشان را به معرض‌نمایش گذاشتند، یک بخش رقابتی هم تدارک دیده شد که دستاوردهای خوبی برداشت یا همین‌طور، تمهیداتی که برای تندیس طوبای طلایی در نظر گرفته‌شده بود. آن‌زمان که اتودهایی برای طراحی و ساخت این تندیس در نظر گرفته شده بود به این فکر می‌کردیم که تندیس طوبای طلایی باید به لحاظ اعتبار، هم‌سطح سیم‌غ‌بلورین جشنواره فیلم فجر شود. مساله بعدی درباره جشنواره تجسمی فجر و دیگر جشنواره‌های تجسمی که در این سال‌ها در کشور ما برگزار شده‌رها شدن استعدادهای جوان است. منظوم استعدادهایی است که به‌عنوان هنرمند برگزیده در جشنواره‌ها انتخاب می‌شوند، ولی بعد از معرفی و اهدای جایز، به‌حال خود‌رها می‌شوند و عملا مورد حمایت و توجه متولیان فرهنگی

غلامعلی طاهری یکی از هنرمندان معاصر در عرصه نقاشی است. او که دارای مدرک کارشناسی‌ارشد در این رشته از دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران است تا امروز دبیری بسیاری از جمله جشنواره‌های تجسمی از جمله جشنواره تجسمی فجر را به‌عهده داشته است. طاهری همچنین در سال‌های اخیر مسئول گروه نقاشی حوزه هنری نیز بوده و تا امروز نمایشگاه‌های متعددی برگزار کرده است. با این هنرمند که از پایه‌گذاران اصلی جشنواره تجسمی فجر بوده درباره کم و کیف این جشنواره به گفت‌وگو نشستیم.

شما از جمله هنرمندانی هستید که پایه‌گذار اولین دوره از جشنواره بوده‌اید. زمانی که دبیرکل اولین دوره را در سال ۸۷ به‌عهده گرفتید چه اهدافی داشتید و فکر می‌کنید امروز چقدر از این اهداف به نفع هنر کشور محقق شده است؟

۱۰ سال پیش که دبیری اولین دوره از جشنواره را به‌عهده گرفتم، اهدافی در ذهن داشتم که با تدوین آیین‌نامه جشنواره و یادعوت از تعدادی از استادان برجسته صورت گرفت. در مقدمه این آیین‌نامه ذکر شده بود که ضرورت دارد به لحاظ ساختاری و محتوایی جشنواره‌ای برگزار کنیم که در حد و اندازه جشنواره‌های جهانی باشد و حتی همدوش جشنواره فیلم فجر بتواند برای عرصه تجسمی افتخار آفرین باشد و برگزاری هر دوره آن بتواند به غنا و اعتبار هنرهای تجسمی کمک کند. درواقع می‌خواستیم شرایطی را در جشنواره هنرهای تجسمی فجر فراهم کنیم که خود هنرمندان برای برگزاری و شروع این جشنواره در سال لحظه‌شماری و ایجاد انگیزه کنند. چندان که می‌بینیم درباره جشنواره فیلم فجر به این شکل است و این جشنواره محرک و مشوق تولیدات سینمایی کشور به شمار می‌رود. در عین‌حال تلاش کردیم از همان دوره اول، بستری مهیا شود تا هنرمندان پیشکسوت در کنار هنرمندان جوان قرار بگیرند و آثاری که از این دو نسل ارائه می‌شود به تنوع و گوناگونی بخش نمایشگاهی جشنواره بیفزاید تا در قالب اضافه کردن بخش رقابتی، توانمندی هنرمندان هم مشخص شود. یا همین‌طور راه‌اندازی نشان عالی تجسمی فجر که در نظر داشتیم هر سال به مفاخر شاخه‌های مختلف این حوزه تعلق بگیرد. اگرچه این اهداف تاحدودی در سال‌های اولیه جشنواره به‌عمل نزدیک شد، ولی واقعیت این است بعد از گذشت چند دوره، مسئولان و دست‌اندرکاران به سمت این اهداف نرفتند

نگاه

ضرورت توجه به چندصدایی در جشنواره تجسمی فجر

بدیهی است جشنواره‌های تجسمی باید اصولا هدفمند برگزار شوند، استمرار داشته باشند و از همه مهم‌تر منعکس‌کننده مسائل تجسمی معاصر باشند. با این حال به نظر می‌رسد حوزه هنرهای تجسمی در چهار دهه اخیر نتوانسته هم‌پای هنرهای دیگری چون سینما پررنگ شود. از این رو بخش اعظمی از فعالیت هنرمندان این وادی صرف‌نظر از آنکه نزد مخاطبان خارجی ناشناخته و کشف نشده باقی مانده فقط به مرزهای جغرافیایی ایران محدود شده است. در حالی که ظرفیت گسترده هنر معاصر در شاخه‌های مختلف در این سال‌ها به خوبی نشانگر این مطلب است که می‌توانستیم خیلی زودتر از اینها هنرمان را مثل کشورهای همسایه در معرض دید مخاطبان خارجی قرار بدهیم. البته بماند که هنر سینما اساسا در مقایسه با هنرهای تجسمی دارای تفاوت‌هایی است. به‌عنوان مثال بردن یک فیلم و نمایش آن در کشور دیگر نیازمند هزینه و امکانات ویژه نیست، در حالی که اگر هنرمندی بخواهد به ارائه آثارش در جشنواره‌های جهانی بپردازد باید مسائلی چون هزینه حمل‌ونقل، مشکلات گمرکی انتقال آثار هنری، لطمه نخوردن به اثر و ... را متحمل شود. ضمن اینکه هنرمندان در عرصه تجسمی به دلیل برخوردار نبودن از بودجه مناسب و حمایت دولت، نمی‌توانند به چنین فعالیت‌های برون مرزی بپردازند. از اینها گذشته، سینما در سال‌های گذشته به صنعت قدرتمندی تبدیل شده و در عین‌حال مخاطبان عام‌تری هم دارد. با این حال نمی‌توان این امر را نادیده گرفت که جشنواره‌ها نقش زیادی در پیشرفت‌های هنری یک جامعه دارند. یعنی همین که جشنواره‌ای به بررسی و معرفی جریانات معاصر می‌پردازد، به خودی خود رسالت مهمی را ایفا می‌کند. درباره جشنواره تجسمی فجر دو نکته وجود دارد؛ یکی اینکه به نظر می‌رسد باید از حضور کیورتورهایی در فضای نمایشگاهی جشنواره بهره گرفته شود. طبعاً بهره‌گیری از حضور کیورتورها در جشنواره می‌تواند باعث شود آنها براساس شناخت و دیدگاه هنرشناسانه‌ای که دارند به‌نخبه‌یابی در عرصه هنر بپردازند و هنرمندانی را برای حضور در جشنواره دعوت کنند که بدانند آثار آن هنرمندان دستاورد مطلوبی در پی داشته باشد و در آینده اقتصادی هنر تجسمی تاثیرگذار باشد. دیگر اینکه فضایی در جشنواره فراهم شود تا آثار تمام هنرمندان در معرض دید قرار بگیرد و به‌قولی چندصدایی در جامعه تجسمی کشور به یمن برگزاری این رویدادها صورت بگیرد. باوجود آنکه در این سال‌ها حوزه هنرهای تجسمی با افت وخیزهای زیادی مواجه بوده، ولی به آینده هنر ایران خوشبینیم. تصور می‌کنم هرچقدر تعداد جشنواره‌های هنری ازاین رهگذر زیاد باشد می‌توان بیش از پیش به پرباری هنر تجسمی امیدوار بود.



بهنام کامرانی
پژوهشگر هنر
و استاد دانشگاه



فرح اصولی
عضو هیات انتخاب و
داوری جشنواره تجسمی

فراخوان جشنواره تجسمی فجر ضابطه‌مند نیست

به‌رغم اینکه برخی معتقدند جشنواره تجسمی فجر می‌تواند در رونق اقتصاد هنر نقش داشته باشد، بر این باورم که امروز بخش اعظمی از اقتصاد هنر به سبیله حراج‌ها، گالری‌ها، واسطه‌های هنری و کیورتورها تامین می‌شود. بنابراین تصور می‌کنم جشنواره باید به فعالیت‌های دیگری بپردازد. همان‌طور که در کشورهای دیگر، جشنواره‌های تجسمی اهداف دیگری دارند. در عین حال، مساله اقتصاد هنر مقوله‌ای است که اگر هم جشنواره‌ها بخواهند در آن مداخله یا نقشی داشته باشند باید به درستی انجام شود، چرا که اگر عملکردها در این وادی صحیح نباشد به‌طور قطع صدمه‌زننده خواهد بود. تجربه نشان داده همواره ضرورت دارد به موازات برگزاری یک جشنواره هنری، اتفاقات دیگری بیفتد تا هنر تجسمی را در یک جامعه به تعادل برساند. مساله‌ای که در حوزه هنرهای تجسمی مطرح می‌شود این است که چندین سال بی‌بنال‌هایی در فضای‌های مختلف تجسمی برگزار نمی‌شوند، طبعاً مقفود بودن این بی‌بنال‌ها در فضای تجسمی باعث شده معیارها برای ارزش‌گذاری آثار خوب از بد مشخص نباشد. یکی از مشکلاتی که در جشنواره تجسمی فجر در سال‌های اخیر به آن دچار شده این است که هنرمندان شناخته‌شده کمتر در این رویداد مشارکت داده می‌شوند و این مساله طبعاً به کیفیت جشنواره ضربه وارد کرده است. در عین حال تصور می‌کنم همه هنرمندان در جریان برگزاری جشنواره تجسمی فجر، نباید از طریق فراخوان حاضر شوند، بلکه می‌توان تعدادی از هنرمندان که سال‌هاست در این وادی فعالیت مستمر دارند، آثارشان در حراج‌های داخلی و بین‌المللی به قیمت بالا فروخته شده و خلاصه نام‌شان برای اهالی فرهنگ و هنر شناسست را به شکل جداگانه دعوت کرد. در این بین معتقدم ۲۰ درصد هنرمندان در یک جشنواره باید از طریق فراخوان انتخاب شوند، ولی به هر حال باید بپذیریم شرایط انتشار فراخوان در جشنواره‌های تجسمی زیاد ضابطه‌مند نیست، چرا که با اعلام فراخوان، هنر هنرمندی ولو اگر کارهایش مطلوب و کیفی نباشد می‌خواهد در جشنواره شرکت کند، در حالی که اگر فراخوان مدونی در این زمینه وجود داشته‌باشد، هنرمندان براساس شرایطی که در فراخوان ذکر شده و سبانه درازمدت و آثاری که در این سال‌ها خلق کرده‌اند به شرکت در این جشنواره می‌پردازند. به عنوان یکی از اعضای هیات داوران، هیات انتخاب و شورای سیاست‌گذاری جشنواره، امسال تعداد زیادی اثر در هر بخش دیده‌ام، ولی به جرات می‌توان گفت تعداد زیادی از آثاری که از طریق فراخوان در دبیرخانه رسیده، ضعیف و بی کیفیت بوده‌اند. بنابراین باید تمهیدی اندیشیده شود تا در جریان برگزاری یک جشنواره، تعدادی هنرمند که کارهایشان کیفی است، آثارشان را به جشنواره ارسال کنند.



آزاده صالحی
روزنامه‌نگار

دهمین جشنواره تجسمی فجر از روز سوم بهمن ماه درحالی‌که در موسسه فرهنگی هنری صبا گشایش یافته است که امسال از ۲۲ استان دعوت شده در این جشنواره به‌ارائه‌اثر بپردازد. مساله تمرکززدایی و محدود نبودن فعالیت‌های فرهنگی هنری به پایتخت باعث شده جشنواره‌ها به ویژه جشنواره‌های تجسمی در سال‌های اخیر به این سمت پروند تا استان‌های کشور را هم در رویدادهای هنری مشارکت بدهند. اگرچه تجربه ثابت کرده جشنواره‌هایی که عنوان بین‌المللی را به یک می‌کشند، تاثیرگذاری چندانی در این حوزه



گفت‌وگو

جمشید حقیقت‌شناس یکی از هنرمندان عرصه هنرهای تجسمی و دبیر هنری دهمین دوره از جشنواره تجسمی فجر است. این جشنواره که طی روزهای اخیر در موسسه فرهنگی هنری صبا افتتاح شده، به نمایش مجموعه‌ای از آثار هنرمندان سراسر کشور در شاخه‌های مختلف پرداخته است. با حقیقت‌شناس درباره اینکه اساسا جشنواره‌ای چون جشنواره تجسمی فجر چقدر توانسته در این سال‌ها به ایده‌آل‌هایی که دست‌اندرکاران آن در ذهن داشته‌اند دست یابد به گفت‌وگو نشستیم.

۱۱۱

شما از جمله دست‌اندرکاران برگزاری جشنواره تجسمی فجر بوده‌اید که همواره انتقادات جدی نسبت به ساختار برگزاری این رویداد وارد کرده‌اید. یکی از این انتقادات نسبت به مکان نامناسب برای نمایش آثار جشنواره بوده است، در این باره توضیح بیشتری دهید؟

بارها به این مساله اشاره کرده‌ام که بزرگ‌ترین نقص جشنواره تجسمی فجر، نبود فضای کافی برای ارائه آثار است. تا به‌حال ۱۰ دوره از جشنواره تجسمی فجر برگزار شده و طی این سال‌ها چه در قالب گفت‌وگوهایی که با اهالی رسانه داشته‌ایم و چه طی صحبت‌هایی که با سیاست‌گذاران و اولیای امور کرده‌ایم به این مساله اشاره داشته‌ایم که جشنواره تجسمی فجر از این منظر دچار نقصان است، ولی عملا نسبت به مرتفع کردن این مشکل قدمی برداشته نشده است. در حالی که تخصیص مکان مناسب برای بخش نمایشگاهی جشنواره تجسمی فجر می‌تواند صرف‌نظر از آنکه امکان نصب و ارائه آثار بیشتری را بدهد، به مثابه گنجینه‌ای ارزشمند از هنر معاصر تلقی شود که به‌عنوان کارنامه تاریخ هنر در معرض دید نسل‌های جوان آینده هم قرار بگیرد. در دوره اخیر، آثار منتخب جشنواره تجسمی فجر در موسسه فرهنگی هنری صبا به نمایش درآمده است، واقعیت این است که فضای نمایشگاهی در صبا محدود است و اجازه نصب کارهای بیش‌تری از هنرمندان در شاخه‌های مختلف را نمی‌دهد. درواقع این مکان است که برای هنرمند تعیین می‌کند چه تعداد اثر در نمایشگاه ارائه‌دهد، چرا که ظرفیت دیوارهای صبا محدود است و باید برای چیدمان آثار با احتیاط وارد کرد. اگرچه بر این باورم در این دوره هم به تبع دوره‌های گذشته، نسبت به آثار هنرمندان از این منظر اجحاف صورت گرفته است. مساله اساسی این است که با رشد و توسعه شهرنشینی در این سال‌ها، شهرها رو به گسترش رفته‌اند، در حالی که کارگاه‌ها برای فعالیت هنرمندان کوچک شده است.

چرا از ظرفیت مکانی موزه هنرهای معاصر تهران برای نمایش آثار جشنواره تجسمی فجر استفاده نشده است؟

البته همیشه براین باور بوده‌ام که به جای به کار بردن لفظ موزه هنرهای معاصر تهران بهتر است بگوییم موزه هنرهای مدرن، چون عملکرد این موزه در این سال‌ها این تلقی را در ذهن به وجود آورده است. به هر حال در پاسخ به سوال شما باید بگویم سال گذشته از جشنواره در موزه هنرهای معاصر تهران برگزار شد، ولی واقعا در ارتباط با جانمایی آثار به مشکل برخوردیم. آنچه در حال حاضر اهمیت دارد این است که بعد از گذشت چهار دهه از پیروزی انقلاب و ۱۰ دوره از جشنواره عظیمی چون جشنواره تجسمی فجر که به‌نوعی آینه تمام‌نمای آثار هنری کشور است، هنوز فضای استاندارد برای عرضه هنر معاصر نداریم و این مساله دردناک است. اگرچه فارغ از نبود فضای مناسب برای چیدمان آثاری در این گسترده‌تر، با مشکل خاص دیگری در جریان برگزاری جشنواره مواجه نیستیم. منتهی به نظر می‌رسد همین که جای مناسبی برای نمایش آثار تجسمی وجود ندارد، نتوانسته‌ایم در این سال‌ها آن‌طور که شایسته است بضاعت هنر تجسمی کشور را در معرض دید مخاطبان بگذاریم. آنچه مسلم است این است که در شرایط کمبود مکان مناسب، احترام متقابل به تمام هنرمندان گذاشته نمی‌شود و آثار به شکل فشرده‌تری چیده و در معرض دید قرار گرفته‌اند.

به‌عنوان یک هنرمند و دبیر هنری جشنواره تجسمی فجر، فرهنگ تصویری ما را در شرایط کنونی چطور می‌بینید؟ منظوم این است که آیا در حال حاضر به نسبت گذشته، بینش مردم نسبت به خرید آثار هنری تفاوت کرده یا هنسوخیلی‌ها ترجیح می‌دهند به جای خرید یک تابلوی نقاشی یا مجسمه و عکس، تابلوی فرش بخرند؟



نداشته‌اند. با این حال اغلب جشنواره‌هایی چون جشنواره تجسمی فجر در این سال‌ها تلاش کرده‌اند به فراخور شرایط و بودجه‌ای که در اختیارشان گذاشته شده بعد بین‌المللی را پررنگ کنند. چندان که دراین دوره نیز هنرمندانی از ۴۵ کشور در جشنواره به‌ارائه‌اثر پرداخته‌اند. با این حال تخصیص مکانی چون موسسه فرهنگی هنری صبا به جانمایی بخش نمایشگاهی جشنواره تجسمی فجر، برخی از هنرمندان و حتی متولیان جشنواره را گل‌مند کرده است؛ چرا که برخی بر این باورند صبا جای مناسبی برای بضاعت و ظرفیت گسترده هنر تجسمی کشور نیست. هرچند انتقادات دیگری هم به نحوه برگزاری جشنواره به لحاظ ساختاری و محتوایی وارد است که در ایسن پرونده تلاش کرده‌ایم در گفت‌وگو با هنرمندان، این مشکلات را آسیب‌شناسی کنیم.

دبیر هنری دهمین جشنواره تجسمی فجر در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

سالن مناسب برای نمایش آثار تجسمی نداریم



مسلمان این روند به نسبت قبل بهتر شده است، اگرچه باید بپذیریم برای ارتقای این مقوله در این سال‌ها کمتر کاری صورت گرفته است. با این حال هر هفته با افتتاح نمایشگاه‌های مختلف، شاهد حضور گسترده مردم از اقشار مختلف جامعه در گالری‌ها هستیم و خوشبختانه می‌بینیم روز به‌روز بر تعداد خریداران و علاقه‌مندان آثار هنرهای تجسمی افزوده می‌شود. منتهی در این زمینه هم آسیب‌ها و خراهایی وجود دارد. به‌عنوان مثال هیچ‌گاه در این سال‌ها سعی نشده مراکز و اساسا بسترهای خرید آثار هنری در جامعه شکل بگیرد. به همین خاطر است چندان که در سوال اشاره کردید، ذهنیت برخی از افراد در جامعه نسبت به خرید آثار هنری که معطوف تابلو فرش شده است. در حالی که گالری‌های می‌توانند شروع کننده این جریان به شکل جدی باشند. یا به‌عنوان مثال، موزه‌ها می‌توانند در این زمینه، مراکز فعال و پویایی برای خرید آثار هنر باشند، ولی موزه‌ها در کشور ما زنده نیستند و بیشتر حالت آرشیوی دارند. به نظرم بروز این مشکلات باعث شده دستاوردهای هنر معاصر به صورت عام وارد زندگی روزمره مردم نشود، در نتیجه هنر تا بیاید به دست علاقه‌مند و مخاطب اصلی اش برسد بیات می‌شود.

از این بحث که بگذریم بودجه مقرر شده برای جشنواره تجسمی فجر امسال چقدر بوده است؟

یک میلیارد و خرده‌ای، ولی واقعیت این است که این رقم بودجه در قیاس با بودجه دیگر حیطه‌های هنری مثل سینما و تئاتر ناچیز است. مساله بودجه هم از جمله مسائلی است که در این سال‌ها به فراخور شرایط روزگار به آن اشاراتی داشته‌ایم. طبیعی است هرچقدر بتوان در گسترش این رقم تلاش کرد آن رویداد بیش‌تر می‌تواند مجالی برای بروز و ظهور و درخشش داشته باشد.

ضرورت پایبندی به ۳ اصل بودجه، امکانات و برنامه‌ریزی

با وجود آنکه امسال یکی از اعضای شورای هنری جشنواره بوده‌ام، ولی تصور می‌کنم جشنواره نوجوانی است که راه درازی برای رسیدن به سقف انتظارات هنرمندان در پیش دارد. به‌ویژه وقتی جشنواره‌ای چون جشنواره تجسمی فجر با محوریت بینارشته‌ای برگزار می‌شود می‌تواند چشم‌انداز مطلوب‌تری را برای آتیه هنر جامعه رقم بزند. جشنواره تجسمی فجر ۱۰ سال مستمر است که برگزار می‌شود، اما باید توجه داشت ساختار و اساسا نحوه برگزاری این جشنواره بدون اشکال نبوده است. به‌عنوان مثال در دوره‌هایی، داورانی به گزینش آثار پرداخته‌اند که از جنس آن هنرها نبوده‌اند، بنابراین طبیعی است به دلیل نداشتن اشراف و آگاهی نسبت به آن هنر مشخص نتوانسته‌اند به درستی آثار را مورد داوری قرار بدهند. در عین حال نمی‌دانم چرا شرایط داوری آثار در جشنواره تجسمی فجر در اغلب موارد به گونه‌ای است که چند روز مانده به برگزاری جشنواره از داوران خواسته می‌شود نظر نهایی‌شان را نسبت به آثار اعلام کنند، در حالی که این رویه باعث می‌شود داوران به دلیل کمبود وقت کافی، به شکل شتابزده به گزینش آثار بپردازند. تصور می‌کنم آنچه می‌تواند جشنواره تجسمی فجر را به سه تعبیری بزرگ‌ترین رویداد سالانه تجسمی کشور به شمار می‌رود ماندگار کند پایبندی تجسمی در نظر گرفته می‌شود و به هنر به‌عنوان مقوله‌ای تزئینی و نه کاربردی در جامعه نگاه می‌شود نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم جشنواره بین‌المللی برگزار کنیم. باید قبول کرد که فرد خاصی نیست. کوئی سیستم در سال‌های گذشته تا امروز به شکلی بوده که موجب دوری بین هنرمندان و دولت شده است. در حالی که انسجام و مشارکت بیشتر هنرمندان در برگزاری رویدادهای ملی می‌تواند به غنای این حیطه کمک زیادی کند.